

اظهارات متناقض ویتکاف درباره ایران

گروه خبر: دفتر استیو ویتکاف، نماینده ترامپ در امور خاورمیانه پستی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) منتشر کرد که در تضاد با صحبت‌های دوروز قبل او با شبکه فاکس نیوز بود. در این پست آمده است که ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحاتی هسته‌ای خود را متوقف و نابود کند. رئیس هیئت آمریکایی در مذاکرات عمان، در آخرین گفت‌وگویی که با فاکس نیوز داشت، چند مسئله و ادعا را مورد توجه قرار داد که شاخص‌ترین آن عدد ۳/۶۷ درصد برای غنی‌سازی ایران بود؛ عددی که مربوط به توافق برجام است. او همچنین ادعاهایی درباره برنامه موشکی ایران مطرح کرد که به صورت واضح یکی از خط قرمزهای ترسیم‌شده توسط تهران در جریان گفت‌وگوهای جدید است.

یک توافق ترامپی

در پست منتشرشده از سوی دفتر ویتکاف آمده است: «توافق با ایران تنها در صورتی کامل می‌شود که توافق ترامپ باشد. هر ترتیب نهایی باید چارچوبی برای صلح، ثبات و رفاه در خاورمیانه ایجاد کند؛ به این معنی که ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحات هسته‌ای خود را متوقف کرده و حذف کند. برای جهان ضروری است که ما یک توافق سخت و منصفانه ایجاد کنیم که پایدار بماند، و این همان چیزی است که رئیس‌جمهور ترامپ از من خواسته است.» مشخص نیست که منظور ویتکاف از توافق ترامپی چیست. شاید اشاره‌ای به این موضوع باشد که غنی‌سازی ۳/۶۷ درصد مربوط به توافق پیشین ایران است و این موضوع در حال حاضر اثبات شده است که ترامپ نسبت به این توافق و هر آنچه مربوط به دموکرات‌ها باشد موضع جدی دارد. توافق باید متعلق به ترامپ باشد. ویتکاف همچنین از برنامه تسلیحات هسته‌ای صحبت می‌کند؛ در حالی که وجود این برنامه از سوی مقامات جمهوری اسلامی باهارد شده است.

غنی‌سازی ۳/۶۷

ویتکاف، پیش از این به فاکس نیوز گفته بود: «ایران نیازی به غنی‌سازی بالاتر از ۳/۶۷ درصد ندارد. آن‌ها در برخی موارد به ۶۰ درصد رسیده‌اند و در مواردی دیگر به ۲۰ درصد. این قابل قبول نیست.» او سپس ادعاهای پیشین واشنگتن درباره برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را تکرار کرد و اظهار داشت: «برای داشتن یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی. همانطور که آن‌ها ادعا می‌کنند. نیازی به غنی‌سازی بالای ۳/۶۷ درصد نیست.» به گزارش ایسنا، این سیاستمدار آمریکایی در بخش دیگری از صحبت‌های خود، اعلام کرد که دور بعدی مذاکرات ایران و آمریکا که شنبه هفته آینده به صورت غیرمستقیم در مسقط برگزار خواهد شد، بر «راستی‌آزمایی در برنامه غنی‌سازی و در نهایت راستی‌آزمایی در خصوص امکان تسلیحاتی شدن برنامه هسته‌ای ایران» خواهد بود. او سپس به برنامه موشکی ایران نیز اشاره کرد و گفت: «این شامل موشک‌ها هم می‌شود؛ از جمله نوعی که ایران ذخیره کرده و همچنین شامل مکانیزم فعال‌سازی بمب (ماشه بمب) است. ما اینجا هستیم تا ببینیم آیا می‌توان این وضعیت را به‌صورت دیپلماتیک و از طریق گفت‌وگو حل کرد یا نه. نخستین جلسه مثبت، سازنده و تأثیرگذار بود.» ورود به حوزه‌هایی غیر از دستورکار هسته‌ای، خط قرمز ترسیم‌شده از سوی ایران است.

آغاز یک ادعای قدیمی

ویتکاف در مصاحبه خود به موشک‌های انبارشده ایران اشاره کرده است. طرف غربی همواره برنامه موشکی ایران که بخشی از دکترین دفاعی کشور محسوب می‌شود را از زاویه قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای، به عنوان یک تهدید معرفی می‌کند. ایران نیز همواره بر این موضوع تأکید کرده که اجازه طرح موضوع ظرفیت‌های دفاعی خود را در جریان هیچ مذاکره‌ای نمی‌دهد. باید دید ادعای جدید ویتکاف در همین ابتدای مسیر و چند روز مانده تا دور دوم مذاکرات در مسقط، چه واکنشی را به دنبال خواهد داشت. او در اظهار نظر خود درباره برنامه موشکی ایران، موضوع ماشه بمب (مربوط به فیوز انفجاری کلاهک هسته‌ای) را به میان کشید که اشاره به ادعاهای مربوط به نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران دارد. طرف غربی سال‌هاست که ادعا می‌کند ایران حداقل تا سال ۲۰۰۳ برنامه نظامی هسته‌ای داشته است. ادعایی که به صورت کامل از سوی مقامات کشورمان باهارد شده است. باز شدن مجدد این پرونده، بر اساس تجربیات پیشین باعث به میان کشیدن موضوع بازرسی از تاسیسات نظامی، جمع‌آوری اطلاعات و حتی مصاحبه با دانشمندان خواهد شد که همه از جمله خطوط قرمز ایران محسوب می‌شوند.



قیمت دلار، قدری پایین آمد!

امشب پای مرغ بخورین دلار داره ارزون می‌شه!!



چرا چشم‌انداز مذاکرات مثبت است؟

است. در این میان فضای عمومی حاکم بر رسانه‌های شاخص و تأثیرگذار آمریکا مانند فاکس نیوز در همراهی با مذاکرات است. علاوه بر این در شرایطی که لابی اسرائیلی و عربی در زمان فعلی در فضای سیاسی پشت پرده آمریکا، منفعل است، طرح‌های ابتکاری برای رسیدن به توافق و تضمین توافق از سوی برخی نخبگان و فعالان سیاسی آمریکا مانند جان کری و وندی شرمن (اعضای تیم مذاکره‌کننده برجام) ارائه می‌شود که بازتاب زیادی نیز دارد. در این راستا جان کری به ترامپ پیشنهاد داده که توافق احتمالی با ایران را برای دادن تضمین اجرایی به ایران به تصویب سنای آمریکا برساند؛ به‌طوری‌که برغم انتقادات و فشارها به دولت آمریکا و شخص ترامپ در موضوع راه‌اندازی جنگ تعرفه‌ها، مواضع داخلی نسبت به مذاکرات ایران و آمریکا، مثبت ارزیابی می‌شود. در داخل ایران نیز با وجود مخالفت‌های جسته‌گریخته برخی جریان‌ها و افراد تندرو آن‌هم با شکل مذاکره، مخالفت هدفمند و برنامه‌ریزی شده‌ای در فضای سیاسی رسمی و غیررسمی با اصل مذاکرات صورت نگرفت و به نظر می‌رسد مخالفت‌های اندک نیز در روزهای آینده کاملاً به حاشیه رود. واکنش مثبت بازارها به مذاکرات یکی از مهمترین عوامل خنثی‌سازی تحرکات مخالفین با مذاکرات ارزیابی می‌گردد.

شرایط داخلی ایران و آمریکا، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌طور کلی در راستای تداوم مذاکرات و تقویت روند رسیدن به توافق دوجانبه است. این مهم از مواضع اخیر دولت‌مردان دو کشور کاملاً مشهود است. بنابراین می‌توان انتظار داشت در مراحل بعدی به تدریج پیشرفت‌هایی در مذاکرات و نزدیک شدن به توافق صورت گیرد. سازوکار مذاکره و توافق هم به نظر می‌رسد در شکل ذخیره کردن (SAVE) دستاوردها در هر مرحله از مذاکره است. در این زمینه حتی می‌توان به یک توافق اولیه زود هنگام نیز امیدوار بود و آن توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران و تحت نظارت آژانس بین‌المللی هسته‌ای از یک سو و تمدید معافیت‌های تحریمی و حتی آزادسازی بخشی از منابع مالی ایران در خارج (به‌طور خاص قطر) از سوی دیگری می‌باشد. سفر مدیرکل آژانس به تهران در این راستا و برای ارائه سازوکاری مشخص تا تأیید آژانس صورت می‌گیرد.

جدای از این مباحث متغیری که مفهوم جدی مذاکرات ایران و آمریکا می‌باشد، جنگ است. برای ترامپ آنچه اهمیت و اولویت دارد عدم ورود به جنگ با ایران و نه تسلیح ایران به سلاح هسته‌ای است. درست است که سیاست اعلامی ترامپ برای مذاکره، عدم تسلیح ایران به سلاح هسته‌ای است اما این تأکید به خاطر این است که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به‌طور واقعی ایران را در موقعیت جنگ و رویارویی با آمریکا قرار می‌دهد. شرایطی که برای ترامپ اصلاً خوشایند نیست. ترامپ به دنبال آن است که از خود یک برند صلح جو بسازد. این موضوع تقویت‌کننده مذاکرات باید مدنظر مذاکره‌کنندگان ایرانی قرار گیرد.

ایران و آمریکا چنانکه قابل پیش‌بینی بود از دور اول مذاکرات هر دو برنده و راضی بیرون آمدند. این رضایت فقط محدود به دولت‌های ایران و آمریکا نبود و در عمل بازارهای داخلی ایران به مذاکرات و آنچه از فضای این دور از مذاکرات بیرون آمده روی خوش نشان دادند. بازارهای بین‌المللی مانند بازار نفت نیز واکنش منفی نسبت به این مذاکرات نشان ندادند و همین واکنش خود نشان از رضایت این بازارها دارد. کشورهای مختلف از جمله کشورهای منطقه از رضایت ایران و آمریکا اراده طرفین برای ادامه مذاکرات استقبال کرده‌اند. دولت، رسانه‌ها و محافل سیاسی اسرائیل تقریباً موضع سکوت و انفعال در این مرحله از مذاکرات در پیش گرفته‌اند که این خود حکایت از رویکرد نظارت و صبر اسرائیل است. اروپا و قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه نیز در ظاهر از مذاکرات و تداوم آن حمایت کرده‌اند. در این زمینه اما مواضع اتحادیه اروپا و کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان کمی مبهم‌تر و نگران‌کننده به نظر می‌رسد. کشورهایی که در جریان مذاکرات برجام حلقه وصل و مشوق و مقوم مذاکرات ایران و آمریکا بودند در این دور از مذاکرات هنوز در مسیر حمایت از مذاکرات قرار نگرفته‌اند. نگرانی از توافق ایران و آمریکا بدون در نظر گرفتن ملاحظات و مصالح سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی اروپا در قبال ایران و توافقات گذشته ایران و اروپا در قالب برجام و بیرون از آن، مهمترین عاملی است که کشورهای سه‌گانه اروپا را وادار به سکوت و مواضع محتاطانه در این زمینه‌ها داشته است؛ مواضعی که ممکن است در توافق ایران و آمریکا نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. هر چند اروپا در حال حاضر با توجه به در جریان بودن برجام از یک سو و خروج آمریکا از آن از سوی دیگر، ابزار قابل‌تأملی به نام اسنپک یا مکانیسم ماشه در اختیار دارند و می‌توانند از این ابزار تا قبل از موعد مقرر ۱۰ ساله (پایان سال ۲۰۲۵) قانوناً علیه ایران استفاده کنند. در داخل آمریکا، شرایط متفاوت از دوره مذاکراتی برجام است. به‌نظر می‌رسد در حال حاضر نظام سیاسی آمریکا فعلاً پشت سر ترامپ در مسیر مذاکره قرار دارند. تدریجاً مخالف ایران مانند معاون رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه فعلاً مخالفت یا اخلاقی در روند مذاکرات ایجاد نکرده‌اند. افراد شاخصی مانند ماسک نیز نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در مجالس سنا و نمایندگان آمریکا نیز ساز و مخالف جدی تاکنون کوک نشده و به‌نظر می‌رسد هماهنگی‌های لازم به‌خصوص با جناح جمهوری خواه و نمایندگان تندرو در هر دو مجلس صورت گرفته